

## مسئولیت‌پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده

خدیجه سفیری<sup>۱</sup>

اکرم چشمه<sup>۲</sup>

### چکیده:

این پژوهش به مطالعه مسئولیت‌پذیری نوجوان با توجه به جامعه‌پذیری در خانواده در دو گروه پسر و دختر می‌پردازد. این مطالعه در بخش مسئولیت‌پذیری و جامعه‌پذیری از نظریات چلبی و پارسنز استفاده کرده است. مدل در نظر گرفته شده شامل متغیرهای اصلی شیوه‌های جامعه‌پذیری (آموزش، تقلید و تلقین)، مسئولیت‌پذیری والدین، جنسیت، و متغیرهای زمینه‌ای چون میزان تحصیلات و اشتغال والدین، رابطه گرم و حمایتی بین والدین و نوجوان و عضویت در گروه است که به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری نوجوان دخالت داده شده است.

این پژوهش با استفاده از روش پیمایش در بین ۳۷۵ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع دبیرستان منطقه ۱۵ شهر تهران انجام شده است. نتایج ضمن تأیید فرضیه‌های اصلی نشان می‌دهد که متغیر شیوه آموزش از بین شیوه‌های جامعه‌پذیری خانواده بیشترین اثر را بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان دارد. پدر و مادر به عنوان الگوی رفتاری نوجوان بر مسئولیت‌پذیری نوجوان تأثیر می‌گذارند؛ به این معنا که هرچقدر والدین مسئولیت‌پذیر باشند فرزند نوجوانشان مسئولیت‌پذیرتر است. جنسیت با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه دارد؛ با وجود اینکه در این نمونه هر دو گروه دختران و پسران مسئولیت‌پذیری متوسط و پایین دارند، آزمونها نشان از این دارد که مسئولیت‌پذیری دختران نسبت به پسران بیشتر است. همچنین متغیر رابطه گرم بین والدین و نوجوان با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه مستقیم دارد؛ چنانکه هرچه رابطه بین والدین و نوجوان گرم‌تر باشد میزان مسئولیت‌پذیری وی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، نوجوان.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا M\_SAFIRI@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات زنان

## بیان مسأله

در چند دهه گذشته نسبت به مسئولیت‌پذیری و ایجاد این مهارت در نوجوانان گرایش نشان داده شده است. بنا بر نظر لیکونا، جوامع امروزی با بحرانی در شخصیت جوانان مواجه است و ضعف اخلاقی نمود بارز آن است (لوئیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). همچنین بررسی کارشناسان مسائل اجتماعی ایران، نخبگان فرهنگی، سیاسی و جامعه‌شناسان نشان می‌دهد ضعف اخلاق به عنوان معضلی اقتصادی و اجتماعی در کشور ما نیز مطرح است (چلبی، ۱۳۸۱). همچنین نتایج پژوهشی حاکی از این است که نوجوانان مسئولیت‌پذیری پایینی دارند. با این توضیح که در نمونه مورد بررسی در این پژوهش تنها ۱۳ درصد از پاسخگویان در متغیر میزان مسئولیت‌پذیری نمره قابل‌قبولی به دست آورده‌اند، (خرمدل، ۱۳۸۸) و این امر نگران‌کننده است.

با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری یک مهارت است و همانند هر نوع مهارتی آموختنی و اکتسابی است، بالطبع از ابتدای زندگی و به تدریج ایجاد می‌شود؛ به این معنا که یک فرد هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، جز آنکه آن را در طول زندگی خود آموخته باشد (نبوی ۱۳۷۸ به نقل از گینات ۱۹۶۸). از این رو، پرداختن به امر مسئولیت‌پذیری در نوجوانان برای ساختن جامعه‌ای با آینده‌ای بهتر ضرورت دارد. ما در خلال زندگی با افراد بی‌مسئولیت روبه‌رو بوده‌ایم، افرادی که به نوعی سعی می‌کنند از مسئولیت‌های خود سرباززنند. از آن جهت که مهارت مسئولیت‌پذیری در خلال زندگی و پرورش فرد به دست می‌آید، خانواده در این خصوص جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. مهد اصلی آموختن و ارتقای مسئولیت‌پذیری، خانواده است. والدین از راه‌های مختلف از جمله آموزش می‌توانند به فرد در فراگیری این مهارت کمک کنند. از آن جا که مهمترین و سرنوشت‌سازترین مرحله زندگی هر فرد نوجوانی وی است، لذا آموزش این مهم، در این سنین و حتی قبل از آن بسیار ضروری است. «نوجوانی دوره تغییرات مهم در زندگی تحصیلی و اجتماعی هر فرد است. اهمیت و حساسیت این دوران به گونه‌ای است که روسو در بحث از اسرار درون، رشد، بلوغ

---

1. Lewis

و نوجوانی را تولد ثانی می‌نامد.» (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۴). روشن است که نسل جوان و نوجوان ما درسایهٔ پرورش و تربیت اجتماعی خانواده می‌تواند سازنده و در پی آن هدایت‌گر فردای جامعه باشد و این سازندگی و هدایت‌گری نیازمند مسئولیت‌پذیری آنان است. با نگاهی گذرا به پدیده‌های شوم فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی که ریشه در بی‌مسئولیتی دارند، ضرورت پرداختن به این مسأله آشکار می‌شود.

تفاوت در میزان و نحوهٔ اجتماعی شدن افراد، تابع عوامل متعددی است که از میان آنها **خانواده** و به‌ویژه شیوهٔ اجتماعی‌کردن والدین تأثیر بسزایی دارد. «در کشورهای توسعه‌یافته، روانشناسان و جامعه‌شناسان تلاش می‌کنند برای تحقق آرمانهای متعالی خود بهترین و مؤثرترین برنامه‌ها و امکانات تربیتی را کشف کنند، تا بتوانند در حداقل زمان ممکن به هدف‌های مطلوب اجتماعی و تربیتی جامعهٔ خویش دست یافته و کودکان و نوجوانان را اشخاصی مؤثر و کارآمد و صاحب زندگی سالم فردی و اجتماعی بارآورند؛ زیرا سلامت و شایستگی یا فساد و بیماری افراد به کیفیت تربیت و محیط اجتماعی-فرهنگی آنها بستگی دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای تربیت سالم و راهنمایی و هدایت کودکان و نوجوانان یک جامعه در واقع سرمایه‌گذاری بنیادی اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در جامعه محسوب می‌شود.» (فخری، ۱۳۷۵: ۵)

از طریق خانواده است که نوجوان یاد می‌گیرد چگونه با دیگران معاشرت کند، نظم و انضباط را در امور در اولویت قرار دهد، سازگاری داشته باشد و مسئولیت اعمال خویش را به عهده بگیرد. طرز برخورد والدین نیز با نوجوان در مسئولیت‌پذیری آنان بسیار مهم و مؤثر است. مسئولیت‌پذیری که از مهارت‌های اجتماعی مهم در زندگی فرد است مورد توجه دانشمندان بخصوص روان‌شناسان بوده است، «مسئولیت‌پذیری یعنی پاسخ‌گو بودن در برابر کسی یا چیزی. امروزه اخلاق حرفه‌ای را بر همین اساس تعریف می‌کنند. یک فرد اخلاقی، فردی است که دست‌کم دو ویژگی اساسی دارد: مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در برابر آن و پیش‌بینی‌پذیری؛ هر اندازه میزان مسئولیت‌پذیری و پیش‌بینی‌پذیری فرد بیشتر باشد او اخلاقی‌تر است.» (دهستانی، ۱۳۸۷: ۳۹). این مهارت برای نوجوان اهمیت ویژه‌ای دارد و اولین

کانون یادگیری آن خانواده است. خانواده با اتخاذ بهترین روش برای ارتقای سطح جامعه-پذیری نوجوانان می‌تواند فرزندانی مسئول پرورش داده و آینده آنان و جامعه را بسازد. با توجه به اهمیت این مهارت، هدف کلی این مقاله عبارت است از بررسی میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان دختر و پسر و رابطه آن با شیوه‌های تقویت جامعه‌پذیری در خانواده.

پرسش‌های این پژوهش عبارت است از:

- میزان مسئولیت‌پذیری در بین نوجوانان چقدر است؟
- آیا میزان مسئولیت‌پذیری در بین نوجوانان دختر و پسر متفاوت است؟
- آیا شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان تأثیرگذار است؟

#### پیشینه پژوهش:

پیرامون تأثیر جامعه‌پذیری خانواده و تأثیر جنسیت بر مسئولیت‌پذیری نوجوان مطالعات وسیعی در داخل کشور صورت نگرفته است و پژوهش‌های انجام‌شده نیز هرکدام تنها گوشه‌ای از مسأله را بررسی کرده‌اند.

از جمله مهم‌ترین کارهایی که در زمینه مسئولیت‌پذیری انجام شده پژوهش سکینه خرم‌دل با عنوان «بررسی رابطه بین عزت نفس، خودمختاری و انصاف با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان ورامین» است. وی در پژوهش خود با تأکید بر مسئولیت‌پذیری آن را به عنوان متغیر وابسته بررسی کرده است. خرم‌دل همچنین به بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری پرداخته است و متغیرهای انصاف، رابطه گرم، فرصت خودمختاری، عزت نفس، خودپنداره و خودمختاری درک‌شده از متغیرهای تأثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شناخته شده‌اند. نتیجه تحلیل‌های متعدد آماری وی نشان می‌دهد که متغیرهای خودمختاری درک‌شده، عزت نفس، خودپنداره، رابطه گرم و منصفانه

اولیای مدرسه و پذیرفتن نقش فعال دانش‌آموزان در مدرسه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مسئولیت‌پذیری آنان تأثیر معنادار داشته است (خرمدل، ۱۳۸۷).

همچنین نیلوفر شریعت، در مطالعه خود به مقایسه هنجارهای جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که میان جنس و گرایش فرد به رعایت هنجارها، رابطه معنادار وجود دارد. این امر ممکن است ناشی از تربیت دوگانه و متفاوت پسر و دختر و تفاوت در نوع جامعه‌پذیری آنها باشد که عوامل جامعه‌پذیری خصوصاً خانواده و مدرسه ارائه می‌کنند. بین هنجارهای اجتماعی خانواده و انواع آن با گرایش فرد به رعایت هنجارها و پیش‌بینی رفتار اجتماعی او رابطه معنادار وجود دارد (شریعت، ۱۳۸۱).

لوئیس (۲۰۰۱) در پژوهش خود ارتباط میان انضباط کلاسی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را بررسی کرده است. این مطالعه، بر روی دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی با هدف بررسی نقش انضباط کلاسی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به منظور حفظ حقوق یادگیرنده‌ها در کلاس انجام شده است. یافته‌های این مطالعه نشان‌دهنده آن است که استفاده از شیوه‌ای سرکوب‌گرایانه در برابر رفتار دانش‌آموزان مانع رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شود و توجه آنها را از تکالیف مدرسه منحرف می‌کند. این در حالی است که بیشتر معلمان در استفاده از روش‌هایی چون مباحثه و مشارکت در تصمیم‌گیری ضعف دارند. همچنین لوئیس در این بررسی به نتایج دیگری نیز دست یافت، از جمله اینکه دانش‌آموزان علاقه‌مند به یادگیری بیشتر مسئولیت‌پذیر هستند، پسران نسبت به دختران مسئولیت‌پذیری کمتری دارند، دانش‌آموزانی که انضباط سرکوب‌گرایانه را در مدرسه تجربه می‌کنند کمتر مسئولیت‌پذیرند و آنان که تکنیک‌های انضباطی رابطه‌ای را در کلاس تجربه می‌کنند بیشتر مسئولیت می‌پذیرند (لوئیس، ۲۰۰۱).

«جامعه‌پذیری خانواده و روابط بین اعضا با تفکر اخلاقی نوجوان» موضوع مطالعه‌ای است که در نوع خود قابل تأمل است. نمونه آماری این مطالعه ۲۷۱ نوجوان استرالیایی با دامنه سنی ۹-۱۴ سال و والدین‌شان بوده است. بنابر یافته‌های این پژوهش، بین فرایندهای

اجتماعی‌شدن، سازگاری، ارتباط خانوادگی، پیوستگی خانوادگی و محتوی فکر اخلاقی نوجوان رابطه‌ معنادار وجود دارد (وایتا، ۲۰۰۰).

با توجه به پژوهش‌های یادشده، این مقاله سعی می‌کند علاوه بر سنجش میزان مسئولیت‌پذیری در نمونه‌ مورد نظر در دو گروه دختران و پسران به بررسی تأثیر آموزش، به عنوان یکی از شیوه‌های جامعه‌پذیری بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان پردازد.

### رویکرد نظری

چلبی با توجه به نظریات مونچ و براساس چارچوب آجیل پارسنز، معتقد است که نظام شخصیت در سطح شرایط انسانی و در ارتباط ویژه با ارگانسیم (G) و نظام رفتاری پا می‌گیرد. در ابتدا ارگانسیم در وحدت اولیه با محیط است، ولی ضمن رشد و درونی شدن نظام‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف، قطب‌های تنظیم کنش شخصیت به تدریج ظاهر می‌شوند. (چلبی، ۱۳۷۵ : ۲۲۸). وی به درستی استدلال می‌کند که در فرایند جامعه‌پذیری، ارتباط خرده‌نظامها و وسایل ارتباطی آنها ممکن است صورتهای مختلفی به خود بگیرند که موجب شکل‌دهی انواع شخصیت شود. ارگانسیم انسانی در برخورد با محیط اثباتی و از طریق اتصالات محرک و پاسخ، استعداد یادگیری خود را افزایش می‌دهد. فرد یاد می‌گیرد که خود را با محیط منطبق سازد و در این ارتباط به طور شناختی محیط را درونی می‌کند. در این فرایند، فرد با یادگیری مداوم کمتر مجبور به تطابق دایم با وضعیت‌های جدید خواهد بود.

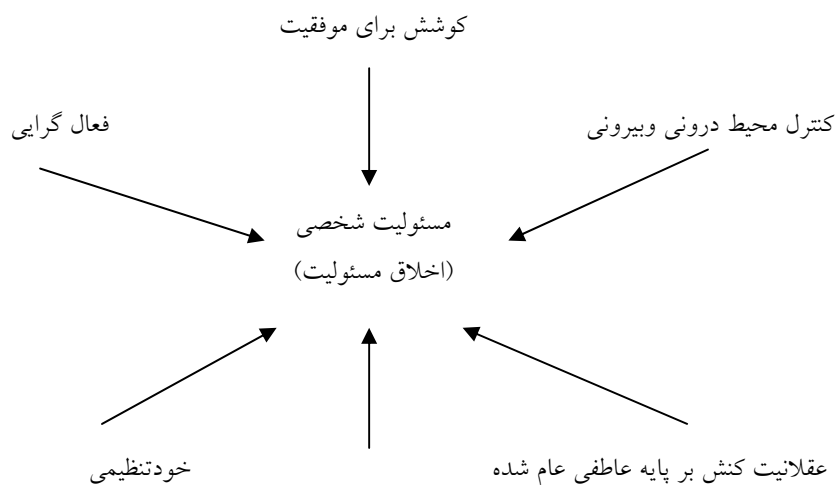
در پی شکل‌گیری تمایلات و تعمیم آنها، هدفداری و امکان عمل‌کردن نیز به صورت مستقل محقق می‌شود. قطب کنترل در نظام شخصیت یا قطب ظرفیت اجرا وسیله تعمیم‌یافته کنش است که شکل‌گیری آن ایجاب می‌کند فرد قبلاً جهان‌های اجتماعی و فرهنگی را به صورت تعمیم‌یافته درونی کرده باشد. به عبارت دیگر، ظرفیت اجرا یا خود مستقل نتیجه نفوذ متقابل نیازهای ارگانیک با محیط‌های رفتاری، فرهنگی و اجتماعی است. در اثر نفوذ متقابل

تمایلات فردی و نظام اجتماعی، وابستگی عاطفی به دیگران به وجود می‌آید. سطح ترکیب نیازهای فردی و تعهدات جمعی بستگی به میزان وابستگی عاطفی دارد. وابستگی عاطفی به دیگران یک وسیله ارتباطی تعمیم‌یافته کنش است. علاوه بر این، از نظر مونچ (۱۹۸۸) شخصیت پیشرفته، شخصیتی است که در آن تفکیک و انسجام پدید آمده باشد؛ یعنی در هر وضعیتی دارای هدف باشد، استعداد یادگیری تعمیم‌یافته خود را به کار گیرد، هویت فردی داشته باشد و در همان حال دارای تعهد تعمیم‌یافته نسبت به همه (دیگران) نیز باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۹).

وجود اخلاق مسئولیت در شخصیت فرد حاکی از آن است که رشد شخصیت نه تنها فرایند تفکیک بلکه فرایند ترکیب یا نفوذ متقابل را نیز به طور کامل گذرانده است. به عبارتی، بلوغ شخصیت، تفکیک شخصیتی و انسجام شخصیتی، در سطح بالاتر و پیشرفته‌تری صورت می‌گیرد.

نمودار شماره ۱. نفوذ متقابل تمایلات اساسی و تمایلات اشتقاقی برای تولید

مسئولیت شخصی (چلبی، ۱۳۷۵)



نظریه معروف پارسنز تئوری ارادی رفتار است. «در نظریه رفتار او اصطلاحات مختلفی از قبیل کنش و جریان اجتماعی شدن دخالت دارد.» (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۴۱). پارسنز در این نظریه، یک سیستم عمومی فرض می‌کند که از مجموعه رفتارها تشکیل شده است و خود به ۴ خرده‌سیستم تقسیم می‌شود:

الف- سیستم رفتارهای شخصی (روان فردی)

ب- سیستم رفتارهای اجتماعی (کنش و واکنش متقابل افراد)

ج- سیستم‌های فرهنگی (شامل تمامی ارزش‌ها، هنجارها، قاعده‌ها، سمبل‌ها مثل زبان و فرهنگ یک جامعه)

د- سیستم‌های ارگانیزم (سیستم کل)

برای مقایسه رفتارهای اجتماعی افراد با ارگانیزم، اعضای یک جامعه به‌ویژه کودکان که هنوز هنجارها (نقش خویش و توقع متقابل) را نیاموخته‌اند باید در یک روند جامعه‌پذیری آنها را فراگیرند. در چهارچوب نظریه عمومی رفتاری پارسنز، جامعه‌پذیری پروسه‌ای فراگیر با هدف فراگیری دانش لازم برای انجام رفتاری درست (همان وظیفه‌ای که پذیرفته شده) است. در پروسه جامعه‌پذیری انسان‌ها رفته رفته به رنگ سیستم فرهنگی خود درمی‌آیند و با آن سازگار می‌شوند. وقتی فرد با جامعه‌پذیری به فرهنگ خود ملحق می‌شود، این توانایی را به دست می‌آورد تا در سیستم نقشها یا نظام وظایف بر اساس ارزشهای درونی‌شده در فرد عمل نماید.» (فخری، ۱۳۷۵: ۲۱).

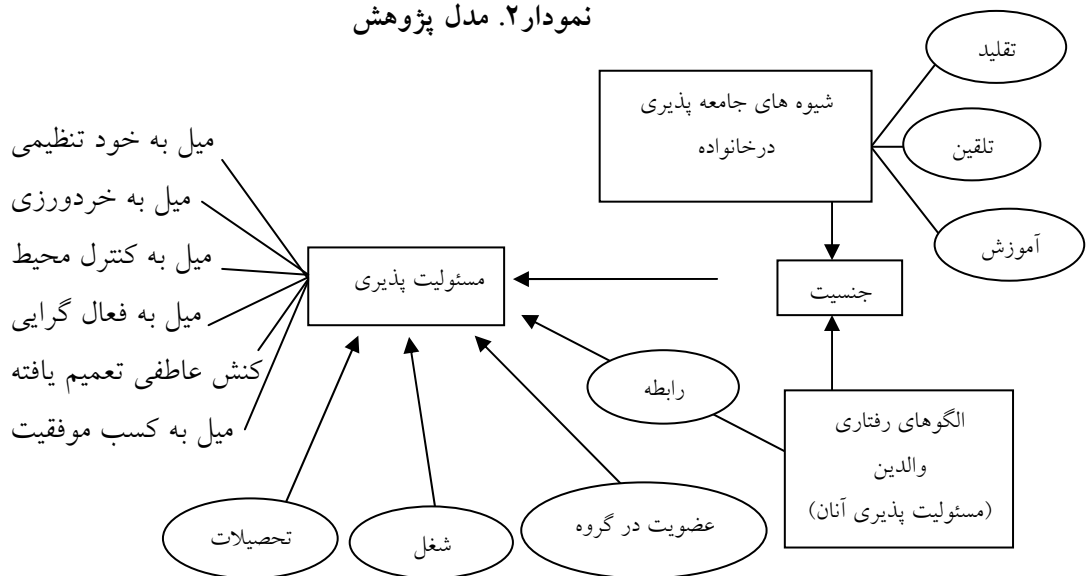
بنابراین از نظر کارکردگرایی ساختاری پارسنز در موضوع حاضر، مسئولیت‌پذیری در زندگی فرد ناشی از الگوهای ارزشی رفتاری هستند که در طی فرایند اجتماعی‌شدن آموخته و کسب می‌شود و به افراد توانایی ایفای نقشهای اجتماعی خاص را می‌دهند. مسئولیت‌پذیری نوجوان وابسته است به نحوه گذراندن فرایند جامعه‌پذیری که امکان همگرایی میان ساختار و کنش را از طریق ابزارهای نهادی و سازمانی مختلف فراهم می‌کند.



### فرضیات پژوهش

۱. میزان مسئولیت‌پذیری در نوجوانان پایین است.
۲. جنسیت بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان تأثیر دارد.
۳. بین آموزش- که یکی از شیوه‌های جامعه‌پذیری است- و میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه وجود دارد.
۴. بین مسئولیت‌پذیری والدین و مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه وجود دارد.
۵. بین رابطه گرم والدین با نوجوان و میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه وجود دارد.

نمودار ۲. مدل پژوهش



روش پژوهش

در این مطالعه، جمعیت آماری شامل دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه (اول، دوم و سوم) دولتی شهر تهران، منطقه ۱۵، در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بوده است. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی و سیستماتیک استفاده شده که اولین ملاک در طبقه-بندی جنس بوده است. ۴۳ درصد جامعه آماری پسران و ۵۷ درصد دختران بوده‌اند. پس از آن، مقطع تحصیلی اول، دوم و سوم از رشته‌های مختلف ملاک واقع شد. بدین ترتیب از هر پایه نمونه‌ای به نسبت جمعیت آن بین ۱۳ الی ۲۰ نفر انتخاب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۵ نفر تعیین شد که با توجه به نسبت دختران به پسران که حدود ۷٪ بیشتر بود، از حجم نمونه به همین نسبت ۱۶۱ نفر پسران و ۲۱۴ نفر دختران انتخاب شدند.

در تجزیه و تحلیل داده‌های این مطالعه از آمار توصیفی شامل جداول یک بعدی، توزیع فراوانی و درصدی، میانگین، میانه و انحراف استاندارد که همان شاخص‌های تمایل به مرکز و پراکندگی از مرکز هستند استفاده شده است. همچنین از آمار استنباطی برای آزمون روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته و میزان تفاوت بین متغیرهای مستقل استفاده شد که شامل

همبستگی دومتغیره، آزمون کای اسکوتر است و به علت وجود دو گروه مستقل (پسر و دختر) از آزمون تی دونمونه‌ای مستقل نیز استفاده شده است. همچنین به هنگام ضرورت، آماره‌های دیگری چون وی کرامر و ضریب لاندا در سطح سنجش اسمی و ضریب گاما، کندال تاویبی و کندال تاوسی در سطح رتبه‌ای به کار رفته است.

### تعاریف مفهومی

**مسئولیت‌پذیری:** «مسئولیت‌پذیری یعنی قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد یا رد کند. مسئولیت‌پذیری، در روند صحیح رشد انسان‌ها پدید می‌آید.» (رفعتیان، ۱۳۸۷: ۱۱).

در این مطالعه مسئولیت‌پذیری با شاخص‌های میل به خودتنظیمی، کنترل محیط، خردورزی، فعال‌گرایی، کنش عاطفی عام و کسب موفقیت بررسی و سنجش شده است.

**روش‌های جامعه‌پذیری:** سه مکانیسم عمده که سعی در بررسی آن داریم عبارت‌اند از تقلید، تلقین و آموزش.

تقلید از والدین: میزانی که والدین فرزندان را به انجام وظایف مجبور می‌کنند.

تلقین والدین: میزانی که والدین نوجوان را به انجام کارها تلقین و تشویق مناسب و بجا می‌کنند.

آموزش والدین: میزانی که والدین به نوجوان در انجام وظایف، تفکرکردن و مشارکت در امور فرصت می‌دهند.

در ساختن گویه‌های مقیاس‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در قسمت مسئولیت‌پذیری نوجوان از پرسشنامه خرمدل و در قسمت روش‌های جامعه‌پذیری در خانواده از روش اعتبار صوری با کسب نظر استادان استفاده شد. روایی پرسشنامه نیز از دو طریق درونی و بیرونی ارزیابی شد. در سنجش روایی بیرونی پیش‌آزمونی با حجم نمونه ۲۵ نفر برگزار شد و تجزیه و تحلیل یافته‌های پیش‌آزمون برخی از نواقص را در پرسشنامه آشکارکرد. روایی درونی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۵ در مؤلفه مسئولیت‌پذیری نوجوان و ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۶ در مؤلفه شیوه‌های جامعه‌پذیری به دست آمد.

جدول ۱- گویه‌های مطرح شده برای سنجش مسئولیت‌پذیری نوجوان

<p>خودتنظیمی</p>	<p>۱. اگر به دلیلی نتوانم کاری که به من واگذار شده است درست انجام دهم احساس پشیمانی می‌کنم.                  ۲. به علت مشغله و گرفتاری اشکالی ندارد که به موقع سرکلاس حاضر نشوم.                  ۳. اگر دیگران نظم و ترتیب را رعایت نکنند من هم رعایت نمی‌کنم.                  ۴. زندگی من چندان نظم و ترتیبی ندارد.                  ۵. به علت بدقولی دیگران اشکالی ندارد که به قول خود عمل نکنم.</p>
<p>کنترل محیط</p>	<p>۱. انسان باید با شرایط محیط خود کنار بیاید.                  ۲. اغلب احساس می‌کنم که هیچ‌کترلی بر محیط خود ندارم.                  ۳. انسان می‌تواند محیط خود را بسازد.                  ۴. هنگام مطالعه نمی‌توانم چیزهایی را که حواسم را پرت می‌کنند از محیطم دور کنم.                  ۵. اغلب زمانها فکر می‌کنم ارزشی ندارد سخت تلاش کنم چون کارهایم به دلیلی درست از آب در نمی‌آید.</p>
<p>کسب موفقیت</p>	<p>۱. گرفتن نمره خوب در امتحانات برایم مهم است.                  ۲. وقتی کاری را شروع می‌کنم برایم مهم نیست که موفق شوم یا نه.                  ۳. برایم مهم نیست که در مدرسه شاگرد اول شوم یا نه.                  ۴. بسیار اتفاق افتاده است که کاری را تمام نکرده رها کنم.</p>
<p>خردورزی</p>	<p>۱. همه زندگی ما را قضا و قدر تعیین می‌کند.                  ۲. فکر می‌کنم انسان با عقل خودش می‌تواند سرنوشتش را تعیین کند.                  ۳. اغلب بعد از انجام کاری، از انجام دادن آن پشیمان می‌شوم.                  ۴. به نظر من زندگی چندان حساب و کتابی ندارد.                  ۵. معمولاً وقتی در انجام کاری موفق می‌شوم علت آن را نمی‌فهمم.</p>
<p>وابستگی عاطفی</p>	<p>۱. دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر را نمی‌شناسم و مایل نیستم که با آنها آشنا شوم.                  ۲. دلم می‌خواهد با افراد بیشتری رابطه برقرار کنم و آنها را بشناسم.                  ۳. دوست و غریبه فرقی نمی‌کند؛ من برای همه احترام قایل هستم.                  ۴. برای غریبه‌ها چندان احترامی قایل نیستم.</p>
<p>فعال‌گرایی</p>	<p>۱. فقط با کسانی همکاری می‌کنم که دوستان داشته باشم.                  ۲. به نظر من بازی و سرگرمی به هر چیزی ترجیح دارد.                  ۳. نباید به خود سختی داد.                  ۴. به هر طریقی که خوشم بیاید عمل می‌کنم.                  ۵. حاضر نیستم اوقات فراغتم را فدای کار کردن کنم.</p>

## جدول ۲- گویه‌های طرح‌شده برای روش‌های جامعه‌پذیر کردن نوجوان نسبت به

## مسئولیت‌پذیری توسط والدین

۱. مادروپدرم مرا مجبور می‌کنند تا کارهای زیر را انجام دهم.						تقلید
مسئولیت‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	تاحدودی	مخالقم	کاملاً مخالفم	
مرتب‌کردن اتاق						
مهیاکردن سفره						
سر وقت آمدن						
معرفی دوستان						
انجام تکالیف						
۲. مادرم مرا مجبور می‌کند تا در کارهای خانه به او کمک کنم.						تلقین
۳. اگر پدر و مادرم نظارت نکنند، تکالیفم را به فردا موکول می‌کنم.						
۴. به خاطر سخت‌گیری‌های مادروپدرم نمره خوب می‌گیرم.						
۱. وقتی کارهای واگذار شده به خود را انجام می‌دهم، والدینم مرا تشویق می‌کنند.						
۲. به دلیل اینکه همیشه سر وقت از مدرسه به خانه برمی‌گردم مادرم مرا تحسین می‌کند.						آموزش
۳. دیر آمدن یا زود آمدن من به خانه هیچ فرقی برای والدینم ندارد.						
۴. وقتی اتاقم را مرتب نمی‌کنم، تنبیه می‌شوم.						
۵. وقتی وظایفم را انجام می‌دهم و تشویقم می‌کنند متعهدتر می‌شوم.						
۶. وقتی در کاری موفق نمی‌شوم والدینم مرا به تکرار آن وامی‌دارند.						
۱. والدینم به من فرصت می‌دهند تا کارهای مربوط به خودم را تنها انجام دهم.						
۲. من آزادم تا راجع به چگونگی انجام وظایفم تصمیم بگیرم.						
۳. والدینم به من یاد داده‌اند که وقتی با عده‌ای قول و قرار می‌گذارم تعهد خود را زیر پا نگذارم و به قولم وفادار باشم.						
۴. همکاری و همراهی با دیگران را در خانواده آموخته‌ام؛ اینکه تنها به فکر خود نباشم.						
۵. والدینم به من یاد داده‌اند که در قبال وظایفی که به من واگذار می‌شود خود را مسئول اعمالم بدانم.						
۶. من از والدینم یاد گرفته‌ام که سر وقت به خانه بیایم.						
۷. از والدینم آموختم که در انجام کارهای خانه مشارکت داشته باشم.						
۸. از پدر و مادرم آموختم که در هر کاری موفقیت برایم اهمیت داشته باشد.						
۹. والدینم به من یاد داده‌اند که کاری را نیمه‌تمام نگذارم.						

### یافته‌های پژوهش

با توجه به جمعیت آماری پژوهش که دانش‌آموزان متوسطه منطقه ۱۵ شهر تهران بودند، از هر دو جنس دختر و پسر به تعداد ۳۷۵ نفر نمونه انتخاب شدند.

#### الف- یافته‌های توصیفی:

از کل جمعیت نمونه (۳۷۵ نفر)، ۱۲۷ نفر یعنی حدود ۳۳/۹ درصد از پاسخ‌گویان در پایه اول، ۱۳۳ نفر یعنی حدود ۳۵/۵ درصد از پاسخ‌گویان در پایه دوم و ۱۱۵ نفر حدود ۳۰/۷ درصد از افراد پاسخ‌گو در پایه سوم در مقطع دبیرستان مشغول به تحصیل هستند.

شایان ذکر است که از ۱۲۷ نفر دانش‌آموزان در پایه اول، ۶۲ نفر پسر و ۶۵ نفر دختر هستند، در پایه دوم از ۱۳۳ نفر دانش‌آموز پاسخ‌گو به سؤالات ۵۱ نفر پسر و ۸۲ نفر دختر و در پایه سوم از ۱۱۵ نفر پاسخ‌گو، ۴۸ نفر پسر و ۶۷ نفر دختر هستند.

وضعیت مسئولیت‌پذیری نوجوان: یافته‌ها نشان می‌دهد (جدول ۳) که ۳۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان نمره مسئولیت‌پذیری در حد بالا، ۳۸/۹ درصد آنان در حد کم و ۲۷/۲ درصد در حد متوسط کسب کرده‌اند.

بنابراین با اینکه ۳۸/۹ درصد از پاسخ‌گویان نمره کم در این متغیر به دست آورده‌اند، در کل با ۵۸/۷ درصد مسئولیت‌پذیری متوسط و پایین داشتند.

جدول ۳- درصد فراوانی متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری		فراوانی	درصد
کم	۱۴۶		
متوسط	۱۰۲	۲۷/۲	
زیاد	۱۱۸	۳۱/۵	
جمع	۳۷۵	۱۰۰	

وضعیت میزان استفاده از روش‌های جامعه‌پذیری در خانواده: جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در میان سه روش جامعه‌پذیری آموزش با نمره ۳۴/۸۳ بالاترین میانگین را داراست؛ بدین معنا که استفاده از روش آموزش در میان خانواده بیشتر است.

جدول ۴- میانگین استفاده از روش‌های جامعه‌پذیری

روش‌های جامعه‌پذیری	میانگین
تقلید	۲۲/۷۴
تلقین	۱۷/۷۴
آموزش	۳۴/۸۳

#### جنسیت و متغیرها

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۴/۴ درصد از پاسخ‌گویان دختر مسئولیت‌پذیری بالایی دارند و این میزان در پسران ۲۹/۱ درصد است. در مجموع، چنین استنباط می‌شود که با اختلاف بسیار کمی که بین دو گروه پسران و دختران وجود دارد، هر دو گروه مسئولیت‌پذیری متوسط به پایین دارند و دختران نسبت به پسران از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند.

در استفاده از روش‌های جامعه‌پذیری در خانواده تفاوت میان دختران و پسران تنها در روش آموزش مشهود است. خانواده‌های گروه دختران با ۴۷/۳۵ درصد نسبت به گروه پسران با ۳۳/۹۸ درصد، بیشتر از روش آموزش برای ایجاد هنجار مسئولیت‌پذیری در بین نوجوانان استفاده می‌کنند.

جدول ۵- آماره‌های توصیفی متغیر مسئولیت‌پذیری به تفکیک جنسیت

جنسیت	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پسر	۹۴/۸۷	۹۵	۶/۵۷	-۰/۲۷۳	۰/۲۴۷
دختر	۹۶/۳۶	۹۶	۶/۸۹	-۰/۲۶۱	۱/۵۸

جدول ۶- درصد فراوانی متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری به تفکیک جنسیت

جنسیت				میزان مسئولیت‌پذیری
دختر		پسر		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۸/۹	۸۱	۴۱/۱	۶۵	کم
۲۶/۴	۵۵	۲۹/۷	۴۷	متوسط
۳۴/۴	۷۲	۲۹/۱	۴۶	زیاد
۱۰۰	۲۰۸	۱۰۰	۱۵۸	جمع

جدول ۷- میانگین روش‌های جامعه‌پذیری به تفکیک جنسیت

میانگین		روش‌های جامعه‌پذیری
دختر	پسر	
۲۲/۹۴	۲۲/۴۷	تقلید
۱۷/۷۹	۱۷/۶۷	تلقین
۴۷/۳۵	۳۳/۹۸	آموزش

همچنین آزمون  $t$  با دو نمونه مستقل، بیان می‌کند میانگین نمره‌های آموزش در بین خانواده‌های دختران و پسران تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند و این دو با سطح اطمینان



۹۵ درصد در میانگین نمره آموزش با هم متفاوت هستند. این نتیجه نشان می‌دهد میانگین نمره آموزش دو گروه باهم یکسان نیست یا هر دو میانگین نمره متفاوتی دارند. در نتیجه با مقایسه میانگین خانواده‌های دختران با پسران، میزان آموزش در خانواده‌های دختران بیشتر از پسران است.

#### ب- آزمون فرضیه‌ها:

**فرضیه اول:** میزان مسئولیت‌پذیری در نوجوانان پایین است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ۳۱/۵ درصد از پاسخگویان نمره قابل‌قبولی در متغیر مسئولیت‌پذیری به دست آورده‌اند و در کل، مسئولیت‌پذیری نسبتاً متوسط و پایینی برخوردارند؛ به طوری که حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان در طبقه متوسط و پایین قرار گرفته‌اند، لذا این فرضیه تأیید می‌شود.

**فرضیه دوم:** فرض دوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین جنسیت و مسئولیت‌پذیری پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه جدول ۸ مبین این مطلب است که جنسیت بر مسئولیت‌پذیری اثر دارد، بدین معنی که هر دو گروه، هم پسران هم دختران مسئولیت‌پذیری در حد متوسط و پایین دارند اما آزمون  $t$  با دو نمونه مستقل بیان می‌کند (جدول ۹). میانگین نمره‌های مسئولیت‌پذیری در بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارد و این دو با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میانگین نمره مسئولیت‌پذیری با هم یکسان نیستند. این نتیجه نشان می‌دهد میانگین نمره مسئولیت‌پذیری دو گروه با هم یکسان نیست یا هر دو میانگین نمره متفاوتی دارند و میانگین نمره‌های دخترها بیشتر از پسرهاست، در نتیجه فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

جدول ۸- ضریب همبستگی بین جنسیت و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری			مستقل
معناداری	ضریب اسپرمن	تعداد	
۰/۰۳۸	۰/۱۰۸	۳۶۶	جنسیت

جدول ۹- آزمون t مستقل دونمونه‌ای (جنسیت و مسئولیت‌پذیری)

					آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		
فاصله اطمینان		سطح معنی‌داری	درجه آزادی	T	Sig	F	
بالا	پایین						
-۰/۰۸۲۲۱	-۲/۸۸۹۰۷	۰/۰۳۸	۳۶۴	-۲/۰۸	۰/۷۲	۰/۱۲۷	واریانس‌ها برابر
-۰/۰۹۱۱۱۱	-۲/۸۸۰۱۶	۰/۰۳۷	۳۴۶	-۲/۰۹			واریانس‌ها نابرابر

**فرضیه سوم:** در آزمون فرضیه وجود رابطه معنادار بین استفاده از شیوه آموزش در خانواده و میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان، با توجه به اینکه هر دو متغیر مستقل و وابسته در سطح سنجش فاصله‌ای هستند، نتایج نشان می‌دهد که فرضیه تأیید شده است. با توجه به مقادیر بدست‌آمده برای **d** سامرز که برابر است با ۰/۱۱۱ در مورد پسران و ۰/۲۵۱ در مورد دختران، (جدول ۱۰) می‌توان گفت در بین پسران رابطه آموزش ضعیف و در بین دختران متوسط است؛ یعنی ضمن تأیید فرضیه مورد نظر استفاده از روش آموزش در خانواده بر مسئولیت‌پذیری نوجوان تأثیر دارد و این تأثیر در دختران بیش از پسران است.

جدول ۱۰- رابطه بین شیوه آموزش با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان به تفکیک جنسیت

نسبت		مسئولیت‌پذیری			کل	
		کم	متوسط	زیاد		
پسر	آموزش	کم	۳۰	۱۳	۱۶	۵۹
		متوسط	۱۸	۲۳	۱۵	۵۶
		زیاد	۱۵	۱۱	۱۵	۴۱
		کل	۶۳	۴۷	۴۶	۱۵۶
دختر	آموزش	کم	۳۴	۱۷	۹	۶۰
		متوسط	۲۸	۱۷	۲۹	۷۴
		زیاد	۱۹	۲۱	۳۴	۷۴
		کل	۸۱	۵۵	۷۲	۲۰۸
جنسیت					مقدار	Sig
پسر	Somers d			۰/۱۱۱	۰/۱۳۹	
دختر	Somers d			۰/۲۵۱	۰/۰۰۰	

**فرضیه چهارم:** میزان مسئولیت‌پذیری والدین به عنوان الگوهای رفتاری با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه دارد. با توجه به مقادیر بدست‌آمده برای **d** سامرز که برابر است با ۰/۱۸۴ در مورد پسران و ۰/۳۲۹ در مورد دختران (جدول ۱۱)، می‌توان گفت رابطه مسئولیت‌پذیری والدین و مسئولیت‌پذیری در پسران ضعیف و در بین دختران متوسط است. نتایج نشان می‌دهد که این فرضیه مورد تأیید است؛ بدین معنی که والدین مسئولیت‌پذیر بر مسئولیت‌پذیری فرزند نوجوان خود تأثیرگذارند و این اثرگذاری در دختران بیش از پسران در نمونه حاضر بوده است.

جدول ۱۱- رابطه بین مسئولیت‌پذیری والدین و مسئولیت‌پذیری نوجوان به تفکیک جنسیت

جنسیت		مسئولیت‌پذیری			کل	
		کم	متوسط	زیاد		
پسر	الگوی رفتاری	کم	۳۴	۱۶	۱۳	۶۳
		متوسط	۱۵	۱۸	۱۷	۵۰
		زیاد	۱۴	۱۳	۱۶	۴۳
		کل	۶۳	۴۷	۴۶	۱۵۶
دختر	الگوی رفتاری	کم	۴۰	۱۸	۱۱	۶۹
		متوسط	۳۰	۲۱	۲۶	۷۷
		زیاد	۱۱	۱۶	۳۴	۷۱
		کل	۸۱	۵۵	۷۱	۲۰۷
جنسیت			مقدار		Sig	
پسر	Somers d		۰/۱۸۴		۰/۰۰۹	
دختر	Somers d		۰/۳۲۹		۰/۰۰۰	

فرضیه پنجم: میان رابطه گرم و حمایتی بین والدین و نوجوان با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه مثبتی دارد.

جدول ۱۲- ضریب همبستگی بین رابطه گرم و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری			مستقل
معناداری	ضریب تاو بی کندال	تعداد	
۰/۰۲۵	۰/۱۰۵	۳۶۶	رابطه گرم و حمایتی

با توجه به ضریب تاو بی کندال (۰/۱۰۵) بین این دو متغیر یک رابطه مثبت وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید

می‌شود. بدین معنا که هرچه رابطه بین والدین و نوجوان گرمتر باشد، مسئولیت‌پذیری نوجوان بیشتر است.

نتایج وارد کردن متغیرهای زمینه‌ای در متغیر اصلی:

- رابطه معنی‌داری بین عضویت نوجوان در گروه‌ها و مسئولیت‌پذیری نوجوان وجود دارد و شدت رابطه از روی ضریب همبستگی اسپیرمن ضعیف است؛ به عبارتی هرچه نوجوان در گروه‌ها بیشتر عضو شود، به همان نسبت مسئولیت‌پذیرتر و هرچه کمتر عضو شود میزان مسئولیت‌پذیری کمتر می‌شود.

- میان شغل والدین و میزان مسئولیت‌پذیری رابطه‌ای وجود ندارد.

- میان سطح تحصیلات والدین و میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه معناداری وجود ندارد.

### ج- تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل و پیشینه‌ای بر مسئولیت‌پذیری نوجوان:

در تحلیل رگرسیون متغیرهای زمینه‌ای وارد معادله رگرسیون شده‌اند که شامل تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر، پایه تحصیلی و مسکن هستند. از بین متغیرهای زمینه‌ای هیچ کدام در تحلیل رگرسیون بر متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری باقی نمی‌مانند.

### جدول ۱۹- تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل زمینه‌ای بر متغیر مسئولیت‌پذیری

سطح معنی‌داری	مقدار	مربع میانگین	درجه آزادی	جمع مربعات		
۰/۳۹۵	۱/۰۵	۴۸/۴۶۷	۷	۳۳۹/۲۷۳	رگرسیون	مسئولیت‌پذیری
		۴۶/۱۰۶	۳۵۸	۱۶۵۰۵/۸۵۷	باقی‌مانده	
			۳۶۵	۱۶۸۴۵/۱۲۸	کل	

جدول ۲۰- ضرایب رگرسیون مسئولیت‌پذیری با متغیرهای مستقل زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای	B	Beta	sig T
شغل پدر	-۰/۳۹۶	-۰/۰۶۳	۰/۲۳۲
شغل مادر	-۰/۱۲۳	۰/۰۰۵	۰/۹۲۶
مسکن	-۰/۶۹۲	-۰/۰۸۳	۰/۱۱۸
تحصیلات مادر	-۰/۲۷۸	-۰/۰۴۳	۰/۴۹۵
تحصیلات پدر	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۸۷۶
پایه تحصیلی	۰/۶۷۹	۰/۰۸۱	۰/۱۲۹
تعداد فرزندان	۰/۲۰۳	۰/۲۷۴	۰/۴۵۹

$$R=۰/۱۷۴$$

$$R^2=۰/۰۳$$

$$\text{Sig} = ۰/۲$$

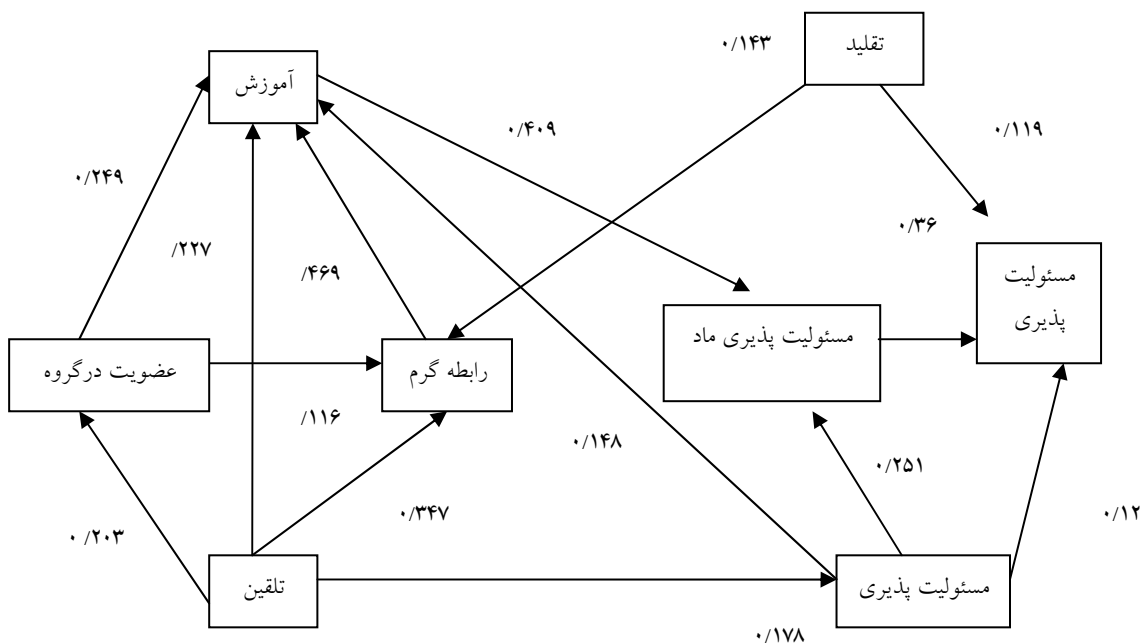
متغیرهای اصلی	B	Beta	sig T
مسئولیت‌پذیری مادر	۰/۳۰۱	۰/۳۸۶	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری پدر	۰/۱۱۸	۰/۱۱۵	۰/۰۲۳
تقلید	۰/۱۹۲	۰/۱۱۰	۰/۰۲۱
عضویت در گروه	۰/۱۳۵	۰/۱۱۲	۰/۰۲۲

ضرایب معمولی و استاندارد متغیرهای مستقلی (زمینه‌ای) که در تحلیل رگرسیون بر متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری باقی مانده‌اند، در جدول زیر نشان داده شده است. بر این اساس، از بین متغیرهای مستقل اصلی، یعنی مسئولیت‌پذیری پدر و مادر و شیوه‌های جامعه‌پذیری، و متغیرهای زمینه‌ای چون عضویت در گروه، رابطه گرم با والدین، متغیرهای مسئولیت‌پذیری پدر و مادر و تقلید و عضویت در گروه در تبیین متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری نقش دارند که از بین این چهار متغیر بیشترین سهم با ضریب استاندارد ۰/۳۸۶ متعلق است به مسئولیت‌پذیری مادر.

**د: تحلیل مسیر:**

در مدل این پژوهش، متغیر وابسته نهایی مسئولیت‌پذیری نوجوان است. بنابراین، تحلیل را با آن شروع می‌کنیم. همان‌طور که در نمودار صفحه بعد نشان داده شده است مسئولیت‌پذیری به عنوان متغیر وابسته نهایی از سوی هفت متغیر به صورت مستقیم بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. بیشترین تأثیر مستقیم از جانب مسئولیت‌پذیری مادر با ضریب  $0/36$  است. به جز این متغیر، دو متغیر تقلید و مسئولیت‌پذیری پدر تأثیر غیرمستقیم روی مسئولیت‌پذیری دارند؛ مثلاً مسئولیت‌پذیری پدر علاوه بر اثر مستقیم، به طور غیرمستقیم از طریق دو مسیر دوگامه (از طریق مسئولیت‌پذیری مادر و آموزش) بر مسئولیت‌پذیری اثر دارد. تقلید هم به طور مستقیم بر آن اثر می‌گذارد. آموزش از طریق مسیر دوگامه (مسئولیت‌پذیری مادر)، عضویت در گروه از طریق مسیر سه‌گامه (آموزش و مسئولیت‌پذیری مادر) و تلقین از طریق مسیر چهارگامه و دوگامه (عضویت در گروه و آموزش و مسئولیت‌پذیری مادر و دیگری مسئولیت‌پذیری پدر) بر متغیر وابسته نهایی یعنی مسئولیت‌پذیری اثر مستقیم دارند.

نمودار ۳. تحلیل مسیر متغیرهای وارد شده بر مسئولیت‌پذیری نوجوان



نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری یکی از مهم‌ترین مهارت‌های لازم برای انسان‌ها تلقی می‌شود. داشتن آینده‌ای روشن بدون پرورش افرادی مسئولیت‌پذیر امکان‌پذیر نیست. از طرفی با اتخاذ بهترین شیوه جامعه‌پذیرکردن فرد می‌توان این مهارت را در وی افزایش داد. در این زمینه، اهمیت خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد متولی جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری فرد بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چراکه می‌تواند با پرورش افراد لایق، جامعه را به بهترین نحو ساخته، آن را از فساد و انحراف اخلاقی نجات دهد.

این پژوهش به دنبال بررسی مسئولیت‌پذیری نوجوان به عنوان مهم‌ترین مهارت اجتماعی و کلید رهایی از تنبلی و ارائه برنامه زندگی است که البته در این بررسی نقش والدین اهمیت



بسیاری دارد. بر اساس نتایج این پژوهش که نمونه‌ای است از جامعه (منطقه ۱۵) شهر تهران، میزان مسئولیت‌پذیری در میان نوجوانان با این توضیح که تنها ۳۱/۵ درصد از پاسخگویان (۱۱۸ نفر) نمره قابل‌قبولی در متغیر مسئولیت‌پذیری کسب کرده‌اند، متوسط و پایین است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش خرمدل (۱۳۸۷) همخوانی دارد و آن را تأیید می‌کند.

باتوجه به نتایج این پژوهش، خانواده باید به محیطی تبدیل شود که رشد این مهارت را در نوجوان بیشتر و بیشتر سازد. والدین با استفاده از روش آموزش که روشی پایدارتر از روش‌های دیگر جامعه‌پذیرکردن فرزندان است. اولین گام را در راه هرچه بیشتر مسئولیت‌پذیرکردن فرزند خود بردارند و در مرحله بعد به عنوان الگوهای رفتاری نوجوان حس مسئولیت‌پذیری خود را بالا ببرند تا نوجوان به قبول مسئولیت‌های خود تشویق شود. «جوان‌ها زمانی از بزرگترها مسئولیت در قبال خود را بهتر می‌آموزند که این بزرگترها خود مسئولیت‌پذیری را به نمایش بگذارند.» (برانندن، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

بر اساس تئوری‌های مطالعه حاضر، متغیر آموزش هنجارها (مسئولیت‌پذیری) و رابطه آن با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان به تفکیک جنسیت بررسی و منطبق با تئوری‌ها شناخته شد. بدین معنی که بر اساس تئوری کارکردگرایی ساختاری پارسنز مسئولیت‌پذیری در زندگی نوجوان برگرفته از الگوهای ارزشی رفتاری هستند که در مسیر اجتماعی شدن کسب می‌شود و به فرد توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی خاص را می‌دهد، مسئولیت‌پذیری نوجوان بستگی به این دارد که وی بتواند فرایند جامعه‌پذیری را طی کند.

همچنین بر اساس نظریه رشد شخصیت چلبی تمایل به احساس مسئولیت به شخص اجازه می‌دهد که همزمان فعال باشد؛ برای کسب موفقیت کوشش کند، محیط درونی و بیرونی خود را تحت کنترل درآورد، خودتنظیم باشد، خردورز باشد و در عین حال نسبت به دیگران احساس تعلق عاطفی داشته باشد. بنابراین، می‌توان این طور بیان کرد که مسئولیت‌پذیری حاصل تمایلاتی است که فرد در خلال فرایند جامعه‌پذیری و از طریق تعامل با محیط فرهنگی، اجتماعی و اثباتی کسب می‌کند.

درکل، رابطه معنی‌داری بین دو متغیر استفاده از روش آموزش و مسئولیت‌پذیری نوجوانان وجود دارد و شدت رابطه ضعیف و مستقیم است؛ یعنی با افزایش استفاده از شیوه آموزش، میزان مسئولیت‌پذیری نیز افزایش می‌یابد.

از میان شیوه‌های جامعه‌پذیری والدین، شیوه تقلید ۳۰/۴ درصد درحد بالا، شیوه تلقین ۲۵/۹ درصد و شیوه آموزش ۳۱/۴ درصد درحد بالا در خانواده‌ها به کار گرفته شده است. میانگین نمره‌ها در روش تقلید در بین پسران و دختران یکسان است، در روش تلقین نیز تفاوت معنی‌داری در بین دو گروه دیده نشده است؛ اما در روش آموزش بین نمره‌های دختران و پسران تفاوت معنی‌دار است و رابطه قوی بین این روش و مسئولیت‌پذیری نوجوان وجود دارد. می‌توان بر اساس نتایج پژوهش گفت اگر خانواده‌ها شیوه آموزش را برای جامعه‌پذیری فرزندان خود برگزینند، بالطبع می‌توانند مسئولیت‌پذیری را در فرزند خود افزایش دهند و شاهد ظهور افرادی مسئول در آینده باشند. خانواده‌ها از آنجا که از عوامل اصلی جامعه‌پذیری محسوب می‌شوند می‌توانند مسئولیت‌پذیری را به نوجوانان از طریق جامعه‌پذیرکردن صحیح بیاموزند. آنها همچنین الگوهای مهم زندگی یک نوجوان محسوب می‌شوند و وظیفه تربیت مسئولانه بودن و پرورش اخلاق مسئولیت را در وی دارند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این نمونه، جنسیت که متغیر اصلی در این مطالعه است، با میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه معنادار دارد؛ یعنی با وجود اینکه سطح مسئولیت‌پذیری دختران و پسران هر دو متوسط و پایین است، دختران مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به پسران دارند. همچنین می‌توان در میان شاخص‌های مسئولیت‌پذیری تفاوت‌هایی را در نمره‌های دختران و پسران مشاهده کرد.

### پیشنهادها

در این مطالعه به مسئولیت‌پذیری نوجوانان و تأثیر شیوه‌های جامعه‌پذیری والدین بر مسئولیت‌پذیری آنان پرداخته شد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت بهترین روش جامعه‌پذیرکردن نوجوان که به نوعی در میزان مسئولیت‌پذیری ایشان نیز تأثیر می‌گذارد روش

آموزش است، لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، به این روش در مناطق دیگر با توجه به پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین اهمیت داده شود. تأثیر طبقات اجتماعی، و اقتصادی خانواده در میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان نیازمند توجه بیشتر است.

در حوزه علوم انسانی هیچ پژوهشی نمی‌تواند ادعا کند که کامل است. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با ابعاد وسیع‌تر و در نظر گرفتن متغیرهای بیشتر انجام شود؛ برای مثال تأثیر دوستان و مدرسه که در این پژوهش تنها اشاره‌ای به آن شد نیز قابل تأمل است و نمی‌توان نقش آنان را در افزایش مسئولیت‌پذیری نوجوان منکر شد؛ لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی شبکه روابط فرد در مدرسه و همسالان در زمینه مسئولیت‌پذیری در نظر گرفته شود. علاوه بر این، می‌توان در این زمینه مطالعه موردی با روش‌های کیفی انجام داد.

### منابع

- براندن، ناتاتیل (۱۳۸۷)؛ *مسئولیت‌پذیری: اتکای به خود و زندگی پاسخ‌گو*، ترجمه مهدی قراچه داغی، چاپ دوم، تهران: شباهنگ.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی*؛ چاپ چهارم، تهران: سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)؛ *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*؛ تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶)؛ *جامعه‌شناسی نظم*؛ چاپ چهارم، تهران: نشرنی.
- خرمدل، سکینه (۱۳۸۷)؛ *بررسی رابطه بین عزت نفس، خودمختاری و انصاف با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان ورامین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا(س).
- دهستانی، منصور (۱۳۸۷)؛ *مهارت‌های زندگی ۳*، تهران: جیحون.
- رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۵)؛ *مسئولیت‌پذیری*؛ تهران: قطره.

- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)؛ *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران: چاووشگران نقش.
- شریعت، نیلوفر (۱۳۸۱)؛ *مقایسه هنجارهای جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا(س).
- فخری، اکبر (۱۳۷۶)؛ *بررسی تأثیر شیوه‌های اجتماعی‌کردن والدین بر میزان اجتماعی‌شدن فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه.
- قاسمی، طاهره (۱۳۸۱)؛ «بررسی وضعیت سلامت روانی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه منطقه ۱۹ تهران»، *ماهنامه آموزشی-تربیتی پیوند*؛ شماره ۲۷۸، آذر.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳)؛ *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی.
- کوئن، بروس (۱۳۸۵)؛ *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی/رضا فاضل، چاپ هفدهم، تهران: سمت.
- نبوی، سیدصادق (۱۳۷۸)؛ *راهبردهای پرورش حس مسئولیت‌پذیری در نوجوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تربیت مدرس.
- Lewis, Ramon. (2001). "Classroom discipline and student responsibility: The student's view", *Teaching and teacher education*, N.17 (3): 307-319.
- Whitea, Fiona, A. (2000). "Relationship of family socialization processes to adolescent moral thought." *The journal of social psychology*, 140: 75-91.